

رابطه اخلاق و حقوق بنیادین افراد در نظام کیفری ایران

رسول خدامرادی، دکتر مجید قورچی بیگی*

گروه حقوق جزا، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۸/۸/۲۰، تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۱)

چکیده

زمینه: اصلی ترین هدف قوانین جزایی باید تأمین حقوق اساسی انسانها یا همان حقوق بنیادین افراد باشد. اما آنچه که مهم است رابطه اخلاق با حقوق افراد است. زیرا که هدف علم اخلاق رساندن انسان به اعلی درجه انسانیت است و هدف حقوق تحقق عدالت نسبی و برقراری نظم اجتماع است. انصاف نیز وسیله تخصیص عدالت و متناسب کردن قواعد آن در موارد خاص است. بنابراین عدالت و انصاف دارای تعامل تنگاتنگ با یکدیگر هستند. اخلاق و حقوق، دو علم با دو هدف مجزا هستند و به نظر برخی حقوقدانان باید از هرگونه اختلاط بین اخلاق و حقوق پرهیز نمود. از همین رو در این مقاله به بررسی رابطه اخلاق و حقوق بنیادین افراد پرداخته شده است.

نتیجه گیری: یکی از گام‌های مثبتی که رویه قضایی کنونی در جهت حقوق افراد می‌تواند به سمت عدالت بردارد این است که، در دخالت اخلاق در حقوق باید از هرگونه افراط و تفریط دوری جست. تفریط (تفکیک حقوق و اخلاق) به تحجر فکری حقوق دانان و دور شدن از هدف عدالت می‌انجامد و افراط در وارد کردن اخلاق در عالم حقوق، سبب می‌گردد عواطف شخصی دادرس جایگزین اصول حقوقی گردد. از طرفی هم اصلی ترین هدف قوانین جزایی باید تأمین حقوق اساسی انسانها و حفظ چهار چوب اخلاقی باشد. قانونگذار از طریق وضع قوانین صریح، روشن و قابل فهم برای همگان، مبانی اتخاذ یک سیاست کیفری اصولی را قوام بخشد و مانع از نقض این حقوق شود.

کلیدواژگان: اخلاق، حقوق بنیادین، سیستم کیفری ایران، حقوق، حقوق شهروندی

سرآغاز

سیاست جنایی^۱ به معنای مجموعه تدابیر و عملکردهایی که جهت مدیریت پدیده مجرمانه بکار گرفته می‌شود به عنوان یکی از زیر شاخه های دانش حقوق کیفری شاهد فراز و نشیبهای زیادی بوده است. سیاست جنایی هر کشوری بسته به نظام سیاسی آن و همچنین نظام حقوقی و دیدگاههای اندیشمندان و با توجه به آداب و فرهنگ حاکم بر جامعه دارای ویژگی های خاصی است (۱). اخلاق واژه ای است که همواره با حقوق توأمان بوده و به نوعی می‌توان گفت اساس و پایه ای برای تبیین باید ها و نبایدها توسط قانونگذار^۲ در سیاست جنایی ایران است از این رو بررسی رابطه حقوق بنیادین افراد با اخلاق بسیار امری مهم و قابل بحث می‌باشد. زیرا در خصوص این رابطه نظرات مختلفی بیان گردیده که هر نظریه به نوعی به نزدیکی اخلاق و حقوق بنیادین افراد اشاره دارد ولی برخی اخلاق را پایه و اساس این حقوق می‌دانند و برخی مکمل یکدیگر و عده ای از دکتترین نیز در جدا از هم میدانند. به هر حال به موازات تفاوت اندیشه ها، فرهنگ ها و نظامهای سیاسی حاکم، شاهد قرائت های مختلفی هستیم که طرز برداشت و تلقی مقام قانونگذاری در قالب وضع و تصویب قوانین مختلف در قالب سیاست جنایی نمود پیدا می‌کند.

به بیان دیگر، زمانی که متون قانونی در خصوص یک پدیده مجرمانه توسط قانونگذار هر کشوری تصویب می‌گردد، در واقع بیانگر سیاست جنایی تقنینی خاص آن کشور در خصوص پدیده مجرمانه^۳ مورد نظر می‌باشد (۲). با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، سعی شد نظامی در چارچوب نهادهای حکومتی موجود و رایج جهانی، مبنی بر تفکیک قوای سه گانه قانونگذاری، قضایی و اجرایی، با تکیه بر حکومتی دینی و حفظ ارزشهای اخلاقی از طریق نهادهای دارای صلاحیت مستقل و تعریف شده، بنا نهاده شود. مهمترین اثر و پیامد استقرار نظام جمهوری اسلامی بر بعد سیاست جنایی دگرگونی ارزش های سابق، بخصوص ارزشهای اخلاقی^۴ و تغییر ساختار سیاسی و اجتماعی، تحول نهادها و مراجع قضایی و نسخ اکثر قوانین گذشته و تبعیت کردن از اصول اخلاقی و دینی است (۲).

تعریف حقوق^۵

علم حقوق شاخه ای از دانش اجتماعی است که به بررسی استدلالی و روشمند مقررات حاکم بر جامعه و دولت می‌پردازد و چگونگی پیدایش، سیر تحول، وضع و تصویب، تفسیر و استنباط و بالاخره اجرای آنها را

است، مبنای اصلی حقوق است. همین عدالت در علم اخلاق دارای ارزش و فضیلت اخلاقی است (۴).

بنابراین دو علم اخلاق و حقوق را نمی‌توان کاملاً بیگانه از یکدیگر دانست ولی باید عنایت داشت که تضمین نظم اجتماع و برقراری عدالت نسبی در دانش حقوق، نسبت به تضمین سعادت و کمال اخروی، از اولویت بیشتری برخوردار است. همانطور که برخی حقوق‌دانان نظر داده‌اند:

مقصود از قواعد حقوقی برقراری نظم و عدالت نسبی در اجتماع است، هرچند که در این راه اخلاق نیز رعایت نشده باشد. به عنوان نمونه: عدم استماع دین مشمول مرور زمان شده است.

بر اساس همین تفاوت در هدف دو علم، تفاوت‌های دیگر بین این دو حوزه به وجود می‌آید. به بیان ساده‌تر، وقتی هدف غایی حقوق، تفاوت دارد تفاوت بین قلمرو و ضمانت اجراهای این دو مورد به وجود می‌آید؛ قلمرو اخلاق وسیع‌تر از حقوق است بسیاری از مسائل در اخلاق مذموم اند و در حقوق ضمانت اجرا^۸ است نظیر: دروغ‌گویی؛ ضمانت اجراهای اخلاقی جنبه درونی و معنوی و اخروی دارد و ضمانت اجرای قواعد حقوق، جنبه مادی و اجتماعی دارد (۵) در نظر برخی حقوق‌دانان، اخلاق و حقوق را نباید با هم مخلوط کرد. زیرا خلط این دو، سبب اعمال عواطف و احساسات به جای اعمال قانون^۹ و در نتیجه صدور آرای متعارض می‌گردد و تهاافت آراء همان چیزی است که حقوقدانان و رویه قانون‌گذاری به آن خشنود نیستند (۶).

حقوق بنیادین^{۱۰} شناخته شده افراد در نظام حقوقی ایران

قواعدی که ناظر و حاکم بر اساس حکومت و صلاحیت قوای مملکت^{۱۱} و حقوق و آزادی‌های فردی است، از نظر ماهوی قانون اساسی نام دارد (۷). قانون اساسی در قبال دیگر قوانین نقش مرجعیت دارد و برتر از سایر قواعد حقوق است. در غالب حکومت‌های آزاد، به خاطر نگهداری اساس حکومت و جلوگیری از تجاوز^{۱۲} دولت‌ها به پیمانی که رابط بین آنها و ملت است، برای قوانین اساسی احترام و حیثیت خاص قائلند و آنها را ممتاز از سایر قوانین ساخته‌اند (۸). کشورهایی که نظام سیاسی آنها مبتنی بر جمهوریت است و داعیه آزادی مردم را دارند معمولاً توجه خاصی به آزادیهای عمومی و حقوق بشر دارند و مفاهیم مرتبط با حقوق ملت و پاسداری از منافع مشروع شهروندان، سرلوحه قوانین و مقررات کشورشان می‌باشد (۹). حقوق بنیادین افراد را می‌توان به دو دسته کلی حقوق و آزادیهای فردی (شخصی) و حقوق و آزادی‌های مدنی^{۱۳} و سیاسی (اجتماعی) تقسیم بندی کرد قانون اساسی در بیان حقوق و آزادیهای فردی (شخصی) به هر دو بُعد مادی و معنوی آن توجه کرده است (۱۰).

تاثیر اخلاق در حقوق بنیادین افراد

حقوق و اخلاق آشکارا با هم ارتباط دارند (۱۱) آن دو شامل هنجارهایی هستند با محتوای یکسان و ناظر بر منع اضرار به دیگران و اداره منابع

مورد بحث قرار می‌دهد. از سوی دیگر، علم حقوق صرفاً به بررسی نظام حقوقی و دریافت نظر قانونگذار خلاصه نمی‌شود. جهت رسیدن به مقصود بالا، نیازمند آموختن و به کار بستن آموزه‌هایی هستیم که بدون کمک آنها، کار استنباط حقوقی و دریافت نظر قانونگذار ناممکن است. این آموزه‌ها بی‌شک، جزئی از علم حقوق هستند؛ گرچه مستقیماً جزئی از مقررات حاکم بر جامعه نیستند. به طور خلاصه، اصطلاح علم حقوق در دو مفهوم خاص و عام به کار می‌رود. علم حقوق به معنای خاص آن، به بررسی مقررات الزام آور اجتماعی، چگونگی دادرسی و چگونگی وضع این قوانین می‌پردازد. حقوق دانشی است که به تنظیم روابط اجتماعی اشخاص و افراد از آن جهت که عضو جامعه هستند و در کنار یکدیگر زندگی میکنند می‌پردازد (۳).

تعریف اخلاق^۶

علم اخلاق دانش صفات (ملکات) مهلکه و منجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلق گردیدن به صفات نجات بخش و رهایی از صفات هلاک کننده است. علم اخلاق علمی است که در آن، از تهذیب نفس و چگونگی رابطه‌ی افراد خانواده با یکدیگر و با جامعه بحث می‌شود. فنی که درباره‌ی ملکات انسانی بحث می‌کند؛ ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست. و هدف این بحث این است که فضایل را از رذایل جدا سازد؛ یعنی این علم می‌خواهد معلوم کند که کدام یک از ملکات نفسانی انسان، خوب و بد و مایه‌ی کمال و فضیلت اوست و چه ملکاتی، بد و رذیله و مایه‌ی نقص اوست تا آدمی بعد از شناسایی آنها، خود را با فضایل آراسته سازد و از رذایل فاصله گیرد. فقهاء و حکیمان از علم اخلاق تعاریف زیادی نموده‌اند؛ وجه مشترکی که تقریباً در تمام تعاریف یافت می‌شود، این است که غایت و هدف قواعد علم اخلاق نیل به کمال معنوی و سعادت است (۴).

ارتباط حقوق افراد و اخلاق

قواعد اخلاق و حقوق هر دو با دو غایت مجزا تنظیم شده‌اند: هدف اخلاق، در یک کلام «رساندن انسان به اعلی درجه انسانیت و کمال» است و هدف حقوق «تحقق عدالت نسبی و حفظ نظم در اجتماع» است اما با اندک تأملی روشن می‌گردد که هر دو در بسیاری از موارد دارای وجوه مشترک با یکدیگرند بدین ترتیب که:

۱ - وضع بسیاری از قواعد فقهی و اصول عام حقوقی، مطابق با ارزش‌های اخلاقی است که مواد قانونی بسیاری نیز از آن اصول عام به وجود آمده‌اند. نظیر: وفای به عهد، احترام به تعهدات و پیمان‌ها، صداقت در رفتار و گفتار، انصاف، وجدان اخلاقی، یا همان اخلاق جامعه^۷ مدارا با مردم و امثال آن که از فضائل پسندیده اخلاق هستند، در حقوق نیز منشأ بسیاری از احکام مدنی و جزایی و حقوق بین الملل در خصوص حقوق مردم شده است. عدالت در نظر مکتب حقوق فطری که دیدگاه این مکتب با عقل سلیم و فطرت پاک انسانی سازگار

عنوان یک موضوع از حقیقت تجربی تحقق می یابد، حتی در مواردی که به نظر می رسد منشأ و خاستگاه آن داوری اخلاقی باشد، باز بررسی و تحقیق نشان می دهد که انگیزه اصلی و کارآمدی آن، علاقه قانونگذار به عمل نمودن مطابق خواسته های موکلان خود است، خواه آنان چنین قضاوتی داشته باشند یا نه. در یک چنین موردی اصرار ورزیدن بر اینکه تغیر مزبور باید نتیجه داوری های اخلاقی باشد، اشتباه است. با وجود این، از میان سازوکارهای مناسب، داوری اخلاقی یک منشأ متعارف و رایج ملاک حقوقی است. در هر صورت، بازشناسی یک چنین منشأی هم با پوزیتیویسم و هم با مخالف آن سازگار است؛ زیرا نظریه جدایی حقوق و اخلاق، که پوزیتیویسم بر آن تأکید دارد، ناظر به وضع قانونی یک هنجار به عنوان قانون است و ارتباط با ادعای تجربی مربوط به افکار و اندیشه سازندگان حقوق ندارد (۱۵).

نظر مقنن^{۱۷} ایران در خصوص ناقضین حقوق بنیادین افراد

با توجه به تأکید گسترده قانون اساسی لازم است سیاست جنایی ایران به گونه ای حداکثری به موضوع حقوق بنیادین ملت توجه نشان دهد و شاهد قوانینی کارآمد در جهت حفظ این مهم باشیم و پیش بینی لازم در راستای مقابله با افرادی که موجبات محرومیت افراد ملت را از حقوق بنیادین فراهم می آورند صورت پذیرد. سیاست جنایی ایران در تدوین قوانین کیفری جهت مقابله با ناقضان حقوق اساسی ملت از همان ابتدا یعنی قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ توان خود را بر مجازات مقامات و مأموران دولتی که متعرض به این حقوق می شوند معطوف نموده است و همواره حقوق بنیادین افراد مورد توجه بوده است (۱۶) همانطور که قید گردید پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تحولات گسترده قوانین و دیدگاه قانونگذار توجه به حقوق افراد بیش از پیش پر رنگ گردید و تا جایی که این تحول سر انجام به تصویب و تقنین قانون حقوق شهروندی^{۱۸} که به نوعی قانون بارز حقوق افراد جامعه است منجر شد که در این قانون کلیات حقوق افراد جامعه به خوبی مشخص شده و برای ناقضین آن ضمانت اجرا تعیین گردیده است.

نتیجه گیری

اخلاق و حقوق دو دانش مجزا با دو هدف متفاوت از یکدیگر هستند ولی این جدایی به معنای تفکیک کامل بین مرزهای اخلاقی و حقوق نیست بلکه حقوق در حوزه های مختلف قانونگذاری دکتترین حقوقی، رویه قضایی از ارزش های اخلاقی الهام گرفته است. در واقع حقوق و اخلاق تشابه نسبی ای دارند و هدف مشترکی را دنبال می کنند. هر دو در پی سعادت و کمال بشر هستند، منتها کمیت و کیفیت آن ها در تحقق این اهداف، متفاوت است و نحوه عملکرد آن ها با هم تفاوت دارد و این اخلاق است که به حقوق جهت و خط مشی می دهد. یکی از گام های مثبتی که رویه قضایی کنونی در جهت حقوق افراد می تواند به سمت عدالت بردارد این است که، رسیدن به این نتیجه درست است که در دخالت اخلاق در حقوق باید از هرگونه افراط و

محدود؛ یعنی هنجارهایی که ضرر زدن به دیگران را منع و رابطه تملیک و توزیع منابع طبیعی را تنظیم می کنند. این همانندی تنها شامل فهرستی از افعال ممنوعه^{۱۴} نمی شود، بلکه ناظر به عوامل دیگری نیز هست؛ مثلاً، شرایط و اوضاع که براساس آن یک «عمل زیانبار» مسؤولیت ساز و یا ممکن است موجب تلقی شود. به بیان دیگر، در اوضاع و احوالی که اخلاق، الزام آوری و یا نقض مشروع یک تعهد را تصدیق می کند (۱۲)، قانون نیز بر همان اساس امکان دارد یک تعهد قراردادی را به مرحله اجرا بگذارد و یا از اجرای آن صرف نظر نماید. قواعد حقوقی راجع به مسؤولیت تقصیری، از بازتاب و تجلی هنجارهای اخلاقی ناظر به مجرمانه بودن رفتار فرد غافل است. همین طور هنجارهای اخلاقی درباره روش و توزیع عادلانه، در قوانین مربوط به عملکرد قوه مجریه و دادگاه های قضایی تجلی می یابد. به بیان دقیق تر - در همه این موارد - یا یک چنین بازتابی وجود دارد، یا مقررات حقوقی انتقاد اخلاقی را در صورتی که چنین انعکاسی مطلوب باشد، می پذیرد.

با توجه به اصل بقا به عنوان هدف اساسی بشر و حقایقی مسلم مانند آسیب پذیری افراد از یکدیگر، تساوی تقریبی قدرت انسان ها و محدودیت منابع طبیعی، ناگزیر هنجارهایی ناظر بر منع اضرار میان فردی و نحوه توزیع و تملک منابع طبیعی در هر نظام دستوری برای تنظیم رفتار انسان ها وجود دارد. حقوق و اخلاق انسانی باید به طریق اولی شامل چنین هنجارهایی، که به اعتقاد او کم ترین مفاد حقوق طبیعی است، باشد. وی ضمن دفاع از پوزیتیویسم می گوید: این ادعا که حقوق ملاک و معیاری ندارد، دروغ محض است، حقوق بدون در نظر داشت «کم ترین مفاد حقوق طبیعی» اصلاً تحقق نمی یابد؛ زیرا نظام حقوقی، نظام دستوری تنظیم کننده رفتار بشر است و باید چنین ملاکی را دارا باشد (۱۳).

پذیرش نظریه «کم ترین مفاد حقوق طبیعی» هم با دفاع از پوزیتیویسم سازگار است - هرچند که از این منظر حقوق و اخلاق از یکدیگر جدا هستند - و هم با دفاع از ضد پوزیتیویسم موافق است؛ و به احتمال قوی اختصاص به چنین نظریه ای پیدا می کند. درستی این ادعا مبنی بر سازگار بودن این نظریه با پوزیتیویسم حقوقی در جای خود باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد (۱۴).

یک مجموعه از حقوق پوزیتیویستی به عنوان موضوع روان شناسی اجتماعی^{۱۵} تجربی غالباً براساس ملاک ایجاد می شود؛ زیرا واضح حقوق (خواه قوه مقننه یا دادگاه) سعی می کند ملاک حقوقی را براساس معیار اخلاقی توجیه نماید. برای نمونه، «قواعد بورس اوراق بهادار که به منظور جلوگیری از معامله با سوءاستفاده از اطلاعات مجرمانه، وضع شده اند، تقریباً یک پدیده نو می باشد. دست کم بخشی از دلایل وضع و تصویب قواعد مزبور، این استنباط تدریجی^{۱۶} می تواند باشد که سوءاستفاده از اطلاعات مجرمانه، منبع بی عدالتی در معاملاتی است که انصاف و عدالت در آن ها معتبر است. یا روابط جنسی^{۱۰} به این دلیل جرم است که عمل مزبور از نقطه نظر اخلاقی و هنجارهای ناظر بر رفتار انسانی جرم و خطا تلقی می شود. البته حقوق به دلایل مختلف به

3. Criminal phenomenon	پدیده مجرمانه
4. Ethical values	ارزش های اخلاقی
5. Rights	حقوق
6. Ethics	اخلاق
7. Community ethics	اخلاق جامعه
8. Performance guarantee	ضمانت اجرا
9. Law	قانون
10. Fundamental	حقوق بنیادین
11. Country forces	قوای مملکت
12. Rape	تجاوز
13. Civil liberties	آزادی های مدنی
14. Prohibited verbs	افعال ممنوعه
15. Social psychology	روانشناسی اجتماعی
16. Gradual deduction	استنباط تدریجی
17. Legislator	مقنن
18. Citizenship rights	حقوق شهروندی

References

- Bichler G, Malm A E. (Eds.). (2015). *Disrupting criminal networks: Network analysis in crime prevention*. London: FirstForumPress .
- Fox S J. (1974). *Philosophy and the principles of punishment in the juvenile court*. *Family Law Quarterly*; 373-384.
- Alamdari K. (2005). *The power structure of the islamic republic of iran: transition from populism to clientelism, and militarization of the government*. *Third World Quarterly*; 26(8):1285-1301 .
- Aghighi A. (2017). *Relationship between some ethical variables on organizational health*. *Ethics in Science and Technology*; 11 (3): 97-107. (In Persian).
- Ahangar N, Rasoli R, Darvesh H, Asadi M. (2018). *Ethical necessity of explaining the model of democratic citizenship in iranian public organizations*. *Ethics in Science and Technology*; 13 (3): 138-145. (In Persian).
- Arbia S. (2010). *The international criminal court: witness and victim protection and support, legal aid and family visits*. *Commonwealth Law Bulletin*; 36(3): 519-528.
- Pound R, DeRosa M L. (2017). *An introduction to the philosophy of law*. Netherland: Routledge .
- Fagnard JF, Dirickx M, Ausloos M, Lousberg G, Vanderheyden B, Vanderbemden P. (2009). *Magnetic shielding properties of high-Tc superconducting hollow cylinders: model combining experimental data for axial and transverse magnetic field configurations*. *Superconductor Science and Technology*; 22(10): 105002.

تفریط دوری جست. افراز در اخلاقی کردن نظام حقوقی سبب می گردد. علایق شخصی دادرس و باورهای عوام از عدالت، جایگزین اصول حقوقی شود و تفریط در این امر سبب جمود فکری حقوقدانان و دور شدن از هدف عدالت می گردد و پیمودن راه تعادل به تعالی نظام حقوقی کمک می نماید. واقعیت حقوقی این است که در مورد خلط یا تفکیک بین مرزهای حقوق و اخلاق نیز باید راه تعادل را پیمود و از هرگونه افراط و تفریط دوری جست تا این میانه روی به رشد و تعالی دانش حقوق کمک نماید. تفریط (تفکیک حقوق و اخلاق) به تحجر فکری حقوق دانان و دور شدن از هدف عدالت می انجامد و افراط در وارد کردن اخلاق در عالم حقوق، سبب می گردد عواطف شخصی دادرس جایگزین اصول حقوقی گردد .

از طرفی هم اصلی ترین هدف قوانین جزایی باید تأمین حقوق اساسی انسانها و حفظ چهار چوب اخلاقی باشد. قانونگذار از طریق وضع قوانین صریح، روشن و قابل فهم برای همگان، مبانی اتخاذ یک سیاست کیفری اصولی را قوام بخشد و مانع از نقض این حقوق شود. بدیهی است هرچه قانون صریح تر و روشن تر باشد، جنبه های تأثیر گذاری و پیشگیری در آن تقویت می شود. چنانچه فاکتورهای صراحت و شفافیت در تدوین قوانین جزایی لحاظ شود، افراد با توازن فواید و مضراتی که از ارتکاب جرم حاصلشان می شود، معمولاً از ارتکاب جرم انصراف می دهند.

پس می توان اینگونه نتیجه گیری کرد که اخلاق و حقوق دارای مفهوم یکسان نیست. اخلاق قوانین حقوق را ارزیابی می کند. علاوه بر این حکمایی که در کار اجتماع اندیشه می کنند به این نتیجه رسیده اند که اگر اخلاق را از کنار حقوق برداشت، زیبایی و لطافت را برداشت و فقط از زور و اقتدار اطاعت کرد. پس طرز اعمال حق باید اخلاقی باشد. علاوه بر این، با عنایت به قوانین اخلاقی دولت آزاد نیست که هر قانونی که خواست به تصویب برساند بلکه قوانین و نیروهای اخلاقی مانع آن هستند و اخلاقیات در قوانین نفوذ می کنند. اخلاق چون از فطرت درونی بشر سرچشمه می گیرد، لذا همیشه و همه جا مقبول واقع شده و مورد تأیید هر فردی که عقل سلیم و وجدان بیدار دارد، قرار می گیرد، پس در قانون گذاری می تواند بسیار کارآمد و مفید باشد و موجب کاهش اختلاف نظرها قرار گیرد، چراکه محور اصلی حسن و قبح افعال عدل و ظلم است که ملاکی ذاتی و ثابت برای تعیین ارزش اعمال اختیاری انسان است و سنگ محک این اعمال به شمار می آیند.

ملاحظه های اخلاقی

در این پژوهش مروری با معرفی منابع مورد استفاده، اصل اخلاق امانت داری علمی رعایت و حق معنوی مولفین آثار محترم شمرده شده است.

واژه نامه

- Criminal policy
سیاست جنایی
- Legislation
قانونگذاری

13. Nikvarz T, Afraseabi F. (2018). Explaining the effective factors on citizenship ethics. *Ethics in Science and Technology*; 13 (3): 40-47. (In Persian).
14. Elliott C. (2001). *French criminal law*. USA: Willan Publication.
15. Spatz M. (1991). A lesser crime: A comparative study of legal defenses for men who kill their wives. *Colum. JL & Soc. Probs*; 24: 597.
16. Liedtka JM. (1989). Value congruence: The interplay of individual and organizational value systems. *Journal of Business Ethics*; 8(10):805-815.
9. Dubber MD. (2010). Citizenship and penal law. *International And Interdisciplinary Journal of New Criminal Law Review*; 13(2): 190-215.
10. Copelon R. (2000). Gender crimes as war crimes: Integrating crimes against women. *International Criminal Law*; 46: 217.
11. Al-Majlisi MB. (1983). *Bihar al-anwar*. Beirut: Mu'assasa Alwafa.
12. Allain J, Jones J R. (1997). A patchwork of norms: a commentary on the 1996 draft code of crimes against the peace and security of mankind. *Eur. J. Int'l L*; 8: 100.